جلسه 76-428

**یک‌شنبه - 11/12/۹8**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

قبل از این‌که وارد بحث شرط دوم از مکان مصلی بشویم، نکته‌ای که مربوط به مسأله 23 هست باقی مانده عرض کنم:

صاحب عروه فرمود اگر کسی در مکان غصبی بود از روی جهل قصوری، بعد ملتفت شد این مکان غصبی است یا با اذن مالک آن‌جا بود بعد مالک از اذنش رجوع کرد، اگر ببیند تاخیر نماز تا بعد از خروج از آن مکان مستلزم این است که نتواند تمام رکعات نماز را در وقت درک کند، ‌این وظیفه‌اش این است که در حال خروج نماز بخواند و لو با ایماء به رکوع و سجود. حتی اگر یک رکعت از نماز را در وقت بتواند در بیرون از آن مکان غصبی درک بکند باز وظیفه‌اش همین است که در حال خروج نماز بخواند تا تمام رکعات نماز در وقت اتیان بشود.

مناسب بود ایشان توضیح بیشتری می‌‌داد. چون اگر این مکلف بتواند بعض نماز را در وقت در مکان مباح بخواند با رعایت شرائط نماز مثل رکوع اختیاری سجود اختیاری استقرار، باید نمازش را به گونه‌ای تنظیم کند که بخشی از نمازش در داخل وقت بیرون از مکان غصبی انجام بشود و رعایت شرائط اختیاریه آن مقدار از نماز بشود. مثلا: اگر این شخص بخواهد در حال خروج نماز بخواند کل نمازش در حال خروج انجام خواهد شد، ولی اگر تاخیر بیندازد این نماز را یا با تأنی نماز بخواند می‌‌تواند یک رکعت یا دو رکعت یا سه رکعت از این نماز را در مکان مباح بخواند و با رعایت شرائط اختیاری این وظیفه‌اش این است‌ به نحوی نماز را شروع کند و به نحوی نماز را بخواند که ادامه نماز آن مقداری که وقت اجازه می‌‌دهد بیرون مکان غصبی باشد. حداقل بخشی از نماز با شرائط اختیاری انجام خواهد شد. وجهی ندارد که این شخص نمازش را کلا در حال خروج بخواند بعد که خارج شد از مکان غصبی می‌‌بیند هنوز وقت باقی است به اندازه یک رکعت یا بیشتر یا کمتر، ‌باید به نحوی نمازش را تنظیم کند که آن مقداری که بعد از خروج از مکان غصبی وقت باقی است، ادامه نماز در آن وقت انجام بشود که انتهاء نمازش مقارن باشد با انتهاء وقت تا بتواند لااقل بخشی از این نماز را با رعایت شرائط اختیاری مثل استقرار استقبال قبله رکوع و سجود انجام بدهد.

این مطلبی است که مناسب بود صاحب عروه توضیح بدهند تا مورد غفلت واقع نشود.

# شرط دوم: استقرار

بحث واقع می‌‌شود در شرط دوم از شرائط مکان مصلی. صاحب عروه فرموده است: الثانی من شروط المکان کونه قارا و لایجوز الصلاة علی الدابة‌ أو الارجوحة. ارجوحه چیزی است مثل تاب یا به تعبیر دیگر می‌‌گویند آلاکلنگ، أو فی السفینة و نحوها مما یفوت معه استقرار المصلی نعم مع الاضطرار و لو لضیق الوقت عن الخروج من السفینة مثلا لامانع و یجب علیه حینئذ مراعاة الاستقبال و الاستقرار بقدر الامکان فیدور حیثما دار الدابة أو السفینة.

ظاهر اولی این تعبیر که شرط مکان مصلی این است که قار باشد نه متحرک این است که مقصود از این شرط اعتبار استقرار و طمأنینه در بدن خود مصلی نیست. بله باید بدن مصلی مستقر باشد و طمأنینه داشته باشد و لکن ظاهر این تعبیر که شرط مکان مصلی این است که قار باشد نه متحرک این است که این شرط مربوط به مکان مصلی است و نه خود مصلی.

و لذا مرحوم آقای خوئی فرمودند: استقراری که در نماز معتبر است دو معنا دارد:‌ یکی به لحاظ خود مصلی است که از آن تعبیر می‌‌کنند به این‌که بدن مصلی باید طمأنینه داشته باشد، اضطراب نداشته باشد و یا مثلا مصلی در حال راه رفتن نباشد. و معنای دوم به لحاظ مکان مصلی است. مثلا در کشتی در قطار در هواپیما، چه بسا شخص نمازگزار خودش هیچ تکان نمی‌خورد اما بهرحال کشتی حرکت می‌‌کند، قطار حرکت می‌‌کند، هواپیما حرکت می‌‌کند. آن وقت بحث می‌‌شود که آیا حرکت تبعیه مصلی به تبع حرکت کشتی یا قطار یا هواپیما مضر است به صحت نماز در حال اختیار یا مضر نیست؟ در این فرض دوم اصلا چه بسا بدن مصلی هیچ به خودی خود تکان نمی‌خورد، ‌در یک گوشه‌ای از کشتی قرار گرفته است و هیچ اضطرابی بدن مصلی ندارد. مرحوم آقای خوئی فرمودند مورد بحث از معنای اول که شرطیت استقرار و طمأنینه در بدن مصلی است مربوط به آینده است که بحث از افعال صلات می‌‌کنیم. اما فعلا که بحث از شرائط مکان مصلی است مورد بحث همین معنای دوم است. مورد بحث این است که آیا در هواپیما اگر کسی نماز بخواند با رعایت جمیع شرائط، ‌قیام رکوع اختیاری سجود اختیاری استقرار بدن خود مصلی و شرائط دیگر نماز همه محقق است، ‌فقط مکان مصلی مکان ثابتی نیست هواپیمای در حال حرکت آیا در حال اختیار این نماز صحیح است یا این‌که اگر انسان می‌‌تواند باید روی زمین نماز بخواند. محل بحث در این شرط ثانی این مطلب است.

به نظر ما این فرمایش مرحوم آقای خوئی تمام نیست. برای این‌که از مسأله بعدی که مسأله 24 است، معلوم می‌‌شود که همان معنای اول مد نظر صاحب عروه است. یعنی این‌که مطرح کرده که شرط مکان مصلی این است که قار باشد نه متحرک، ‌مقدمه‌ای است برای بیان شرطیت استقرار بدن مصلی و لذا در این مسأله 24 گفته است که یجوز فی حال الاختیار الصلاة‌ فی السفینة أو الدابة‌ الواقفتین مع امکان مراعاة جمیع الشروط من الاستقرار و الاستقبال و نحوهما بل الاقوی جوازها مع کونهما سائرتین اذا امکان سایر الشروط و لو بان یسکت عن القراءة و الذکر و لاتضر الحرکة التبعیة. تصریح می‌‌کند ایشآن‌که اگر مصلی در مکان متحرکی بود مثل این‌که داخل کشتی بود یا مثال دیگر این است که داخل قطار بود داخل هواپیما بود و کشتی یا قطار یا هواپیما حرکت می‌‌کرد اما حرکت آن به نحوی نبود که موجب اضطراب بدن مصلی یا انحراف او از قبله بشود نماز در این حال اختیارا هم اشکال ندارد.

البته مناسب است که ما در این‌جا از هر دو جهت بحث کنیم. هم بحث کنیم که آیا در حال اختیار نماز خواندن در ماشین در حال حرکت یا قطار در حال حرکت یا هواپیمای در حال حرکت، جایز است یا جایز نیست. و جهت دومی که مناسب است بحث کنیم این است که دلیل بر شرطیت استقرار و طمأنینه در بدن مصلی در حال نماز چیست؟ آیا دلیل لبی است یا دلیل لفظی است، و این دلیل لفظی شامل نماز در مثل کشتی می‌‌شود یا نمی‌شود که صاحب جواهر از ظاهر شیخ طوسی در مبسوط و نهایه و ابن حمزة در وسیله و از کتاب مهذب و نهایة الاحکام نقل می‌‌کند که گفتند در کشتی اختیارا هم جایز است نماز و لو بدن انسان تکان بخورد و حرکت کشتی به نحوی باشد که موجب اضطراب و تکان خوردن بدن مصلی بشود.

## مسأله 24: نماز اختیاری در کشتی

اما جهت اول که بحث راجع به این است که اختیارا نماز خواندن در یک وسیله‌ای که در حال حرکت است، جایز است یا جایز نیست؟ استدلال شده بر عدم جواز نماز در وسیله در حال حرکت در حال اختیار به برخی از روایات که عمده این روایات را مطرح می‌‌کنیم:

روایت اول این روایت معروف است که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که جعلت لی الارض مسجدا و طهورا. گفته شده که مفاد این روایت این است که باید مکان نمازگزار زمین باشد. جعلت لی الارض مسجدا و طهورا، ‌کسی که نماز می‌‌خواند روی دابه مثل شتر یا اسب، این مسجدش زمین نیست یا کسی که در قطار یا هواپیما نماز می‌‌خواند مسجدش زمین نیست. و لذا این نماز در حال اختیار جایز نیست و لو شرائط عامه نماز را مراعات کند، بدنش استقرار داشته باشد، ‌قادر بر قیام و استقبال قبله و رکوع و سجود اختیاری باشد، اما چون مکان نمازش زمین نیست این نماز اشکال دارد. که لازمه این مطلب این است که حتی اگر فرض کنیم که آن وسیله در حال حرکت نباشد، قطار متوقف باشد یا هلیکوپتری که در فضا متوقف است باز طبق این بیان نماز در حال اختیار در آن جایز نیست ولی بعید است که کسی به این مطلب ملتزم بشود چون کسانی که اشکال کردند اشکال کردند به نماز در وسیله در حال حرکت.

سند این روایت چون متعدد است هم بین عامه معروف است هم بین خاصه و سند‌های متعددی دارد، انسان قطع به صدورش پیدا می‌‌کند و لو اغلب این سندها ضعیف است. البته امالی صدوق این روایت را نقل می‌‌کند به یک سندی که به نظر ما قابل تصحیح است. شیخ صدوق در امالی نقل می‌‌کند این حدیث را از استادش محمد بن الحسن الولید از حسین بن حسن بن ابان از اسماعیل جعفی. حسین بن حسن بن ابان و لو توثیق خاص ندارد اما ابن الولید که از مدققین در علم رجال بود بیش از دویست روایت نقل کرده از حسین بن حسن بن ابان و ما وثوق داریم اگر این شخص حسن ظاهر نداشت نزد ابن الولید، ابن الولیدی که اینقدر سخت‌گیر بود در رجال از او نقل حدیث به این مقدار نمی‌کرد.

اما اسماعیل جعفی او هم به نظر ما ثقه است. و لو مردد است بین اسماعیل بن جابر و بین اسماعیل بن عبدالرحمن و اسماعیل بن عبدالخالد. چون اسماعیل بن جابر ثقه است هم بخاطر این‌که از مشایخ صفوان است و شیخ طوسی در کتاب عده شهادت داده که صفوان و یا بزنطی و یا ابن ابی عمیر لایروون و لایرسلون الا عن ثقة و هم شیخ طوسی در رجال گفته اسماعیل بن جابر الخثعمی ثقة و اسماعیل بن جابر خثعمی ظاهرا همین اسماعیل بن جابر جعفی است. چرا؟ برای این‌که در رجال این‌ها به عنوان دو نفر ذکر نشدند. اگر دو نفر بودند در رجال متعدد ذکر می‌‌شدند. شاهد دیگر این است که نجاشی گفته:‌ راوی کتاب اسماعیل بن جابر جعفی صفوان است. شیخ طوسی هم که گفته اسماعیل بن جابر خثعمی اصولی دارد که صفوان از او نقل کرده این نشان می‌‌دهد که اسماعیل بن جابر خثعمی و اسماعیل بن جابر جعفی یک نفر است و شاید خثعمی تصحیف جعفی باشد ویا بالعکس. اما اسماعیل بن عبدالرحمن جعفی او هم ثقه است برای این‌که نجاشی گفته کان وجها فی اصحابنا و ظاهر این تعبیر توثیق است و لااقل شهادت به حسن ظاهر اسماعیل بن عبدالرحمن جعفی است و حسن ظاهر اماره عدالت است شرعا. و اما اسماعیل بن عبدالخالق جعفی هم که صریحا نجاشی توثیقش کرده. پس اسماعیل بن جعفی هر که باشد ثقه است. و لذا این سند به نظر ما قابل تصحیح است.

البته نسخه امالی صدوق باید مورد اطمینان باشد و بعید نیست با توجه به این‌که اضطراب متنی در آن نیست انسان اطمینان به صحت این نسخه امالی صدوق بکند که فعلا در دسترس است. پس سند روایت مشکلی ندارد.

اما استدلال به این روایت در مقام درست نیست. چرا؟ برای این‌که مفاد این روایت امتنان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌‌فرمایند جعلت لی الارض مسجدا و طهورا، ‌امتیازاتی که خداوند به منِ پیامبر داده است یکی این است که زمین را برای من مسجد و طهور قرار داده‌اند. این ظاهرش این است که در مقابل تضییق در امم سابقه که عبادت‌شان را باید در معابد خاصی برگزار می‌‌کردند، ‌هر کجا نمی‌توانستند عبادت کنند، ‌در صومعه‌ها در کلیسا‌ها در کنیسه‌ها باید عبادت می‌‌کردند اما در اسلام در هر مکانی می‌‌شود عبادت کرد. این خلاف ظاهر است که ما از این روایت شریفه استفاده تضییق بکنیم که شرط است در مکان مصلی و محل سجود مصلی این‌که بر روی زمین باشد و اگر روی دابه یا روی سفینه یا روی وسائل حمل و نقل امروز بود این جایز نیست.

شاهد بر این مطلب این است که واضح است که نماز روی تخت جایز است حتی در حال اختیار. تخت از این جهت که نماز روی زمین بطور مستقیم نیست فرقی با دابه و مانند آن نمی‌کند. بله هواپیما چون اعتماد بر زمین ندارد ممکن است فرق بکند با قطار دابه ماشین و مانند آن و لکن در هواپیما هم ما دلیلی نداریم بر این‌که نماز در حال اختیار جایز نباشد.

روایت دوم که ممکن است استدلال بشود به آن بر این‌که نماز در حال اختیار باید روی زمین باشد و نه روی دابه و یا روی وسیله حمل و نقل این روایت صحیحه است که شیخ طوسی با سند معتبرش از سعد بن عبدالله نقل می‌‌کند از احمد بن محمد که ظاهرا احمد بن محمد بن عیسی است اگر احمد بن حمد بن خالد برقی باشد او هم ثقه است از محمد بن اسماعیل بن بزیع از ثعلبة بن میمون از حماد بن عثمآن‌که از اجلاء اصحاب امام کاظم علیه السلام است از عبدالرحمن بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام نقل می‌‌کند که اما علیه السلام فرمود لایصلی علی الدابة الفریضة الا مریض یستقبله القبلة و تجزیه فاتحة الکتاب و یضع بوجهه فی الفریضة علی ما امکنه من شیء و یؤمی فی النافلة ایماءا. گفته می‌‌شود که مفاد این روایت این است که نماز بر دابه جایز نیست مگر بر مریض. البته مراد نماز واجب است لایصلی علی الدابة الفریضة الا المریض. دابه هم خصوصیت ندارد مثالی است برای وسیله حمل و نقل، شامل نماز در قطار یا نماز در هواپیما هم می‌‌شود و مفاد این روایت این است که در حال اختیار نماز در ماشین یا در قطار یا در هواپیما جایز نیست و لو تمام شرائط نماز را بتوانیم مراعات کنیم.

اشکال استدلال به این روایت این است که مقتضای جمود بر ظاهر این روایت این است که بگوییم صلات فریضه علی الدابة‌ در حال اختیار جایز نباشد؛ وجهی ندارد تعدی کنیم به وسایل دیگر حمل و نقل. کما این‌که مقتضای جمود بر اطلاق این نص این است که بگوییم حتی اگر دابه در حال حرکت نیست، ‌دابه‌ای است که دست و پایش را بسته‌ایم مثل شتری که دستانش را می‌‌بندند و او امکان تحرک ندارد مقتضای جمود بر این صحیحه این است که بگوییم نماز بر آن در حال اختیار جایز نیست. و این مطلبی است که برخی از بزرگان به آن تمایل دارند. مثلا مرحوم علامه حلی در کتاب قواعد جلد 1 صفحه 252 فرموده است و لاتجوز الفریضة علی الراحلة اختیارا و ان تمکن من استیفاء الافعال علی اشکال. بعد در ادامه فرموده است و فی صحة الفریضة علی بعیر معقول أو ارجوحة متعلقة بحبالة نظر. حتی اگر شتری دستانش بسته شده است و امکان حرکت ندارد نماز فریضه را روی آن بخوانیم اشکال پیدا می‌‌کند. یا شهید اول در ذکری جلد 3 صفحه 189 فرموده است لو تمکن الراکب من الاستقبال و استیفاء الافعال کالراکب فی الکنیسة أو علی بعیر معقول ففی صحة صلاته وجهان اصحهما المنع. اگر شخص سواره‌ای بتواند شرائط عامن نماز را مثل استقبال قبله و قیام در نماز رعایت بکند مثل کسی که در محمل سوار هست یا روی شتری که دستانش را بسته‌اند و امکان حرکت ندارد قرار گرفته است در صحت نماز او دو وجه است که اصح الوجهین این است که این ممنوع است. در وجه آن فرموده است که لان اطلاق الامر بالصلاة ینصرف الی القرار المعهود و هو ما کان علی الارض و ما کان فی معناها. چرا نماز بر شتری که معقول است عقال بر دستان او قرار داده‌اند جایز نیست در حال اختیار؟ ایشان می‌‌فرماید بخاطر این‌که اطلاق امر به صلات منصرف است به استقرار متعارف که بر روی زمین و مانند آن هست مثل نماز روی تخت که به مثابه نماز روی زمین است. یا مرحوم شهید ثانی در مسالک جلد 1 صفحه 159 فرموده است و لو کان الراکب بحیث یتمکن من الرکوع و السجود فی فرائض الصلاة هل یجوز له الفریضة علی الراحلة اختیارا قیل نعم و قیل لا و هو الاشبه. اگر راکب بر دابه بتواند نماز اختیاری بخواند اشبه این است که بگوییم چون سوار بر دابه است نماز فریضه او در حال اختیار اشکال دارد.

پس ممکن است یکی از شرائط نماز این باشد که روی دابه نباشد که از حدائق نقل شده که گفته‌اند این قول مشهور فقهاء است. این مقتضای جمود بر نص است.

 و لکن انصاف این است که مفاد عرفی این روایت صحیحه این است که نهی می‌‌کند از نماز فریضه بر دابه بخاطر این‌که عادتا امکان رعایت شرائط نماز در حال اختیار بر روی دابه نیست. شاهد بر این مطلب این است که در استثناء حضرت فرمودند الا المریض راجع به مریض شرائط اضطراری را بیان کردند. یستقبل به القبلة‌ مریض را به طرف قبله قرار می‌‌دهند و تجزیه فاتحة الکتاب نیاز به خواندن سوره ندارد فاتحة الکتاب برای او کافی است و یضع بوجهه فی الفریضة علی ما امکنه من شی‌ء‌ و در حال سجود پیشانیش را بر هر چیزی که سجود بر آن صحیح است قرار می‌‌دهد. این نشان می‌‌دهد که استثناء‌ به لحاظ این است که شرائط اختیاریه نماز را کسی که روی دابه می‌‌خواهد نماز بخواند عادتا نمی‌تواند رعایت کند حالا اگر مریض بود اغماض می‌‌کنند در حق او.

و اساسا متعارف در نماز روی دابه همین است که انسان شرائط اختیاریه نماز را مثل استقرار بدن خود مصلی مثل استقبال قبله مثل قیام رکوع اختیاری را نمی‌تواند عادتا مراعات کند. و انصافا این روایت بیش از این ظهور ندارد. و لذا حتی در مورد دابه هم اگر فرض کنیم به نحوی است که می‌‌تواند نماز اختیاری بخواند فرض کنید روی دابه محملی قرار دادند و محمل ارتفاع دارد او به راحتی می‌‌تواند نماز اختیاری بخواند یا یک شخصی است که اگر روی زمین بود نماز نشسته می‌‌خواند حال روی دابه نماز نشسته می‌‌خواند ما از این روایت نمی‌توانیم استفاده کنیم که این کار در حال اختیار جایز نیست.

روایت سوم روایتی است که شیخ طوسی در تهذیب نقل می‌‌کند از محمد بن احمد بن یحیی از احمد بن هلال عبرتایی از یونس بن عبدالرحمن از عبدالله بن سنان. عبدالله بن سنان می‌‌گوید قلت لابی عبدالله علیه السلام ایصلی الرجل شیئا من المفروض راکبا؟ قال لا الا من ضرورة. وسائل الشیعة جلد 4 صفحه 326. در این روایت بیان شده که نماز واجب را انسان در حال سواره نمی‌تواند بخواند مگر ضرورتی اقتضاء بکند این مطلب را. گفته می‌‌شود این روایت اطلاق دارد و لو انسان در حال رکوع تمام شرائط اختیاریه نماز را بتواند رعایت کند مثل این‌که انسان در هواپیما که نماز می‌‌خواند تمام شرائط اختیاری را می‌‌تواند رعایت کند یا در قطار اگر نماز بخواند اما اطلاق این روایت فرموده فقط در حال ضرورت این کار جایز است.

سند این روایت مشتمل است بر احمد بن هلال عبرتایی. ولی مرحوم آقای خوئی فرموده این روایت موثقه است. احمد بن هلال عبرتایی ثقه است هر چند فاسد العقیدة است. دلیل بر وثاقتش این است که نجاشی در حق او گفته صالح الروایة. علاوه بر این‌که جزء رجال تفسیر قمی هم هست و در دیباجه تفسیر قمی علی بن ابراهیم قمی شهادت داده که از ثقات این روایات کتاب تفسیر را نقل می‌‌کنیم.

ما قبلا راجع به احمد بن هلال عبرتایی بحث کردیم و در وثاقت او اشکال کردیم.

اما روایتی دیگر شیخ در تهذیب جلد 3 صفحه 231 نقل می‌‌کند به اسنادش از محمد بن علی بن محبوب که اسناد صحیحی است از احمد بن حسن که ثقه است از نضر که نضر بن سوید است که او هم ثقه است از ابن سنان عبدالله بن سنآن‌که از اجلاء اصحاب است عن ابی عبدالله علیه السلام قال لاتصل شیئا من المفروض راکبا. در این روایت فرموده است نماز فریضه را در حال رکوب نباید بخوانید. که سند این روایت تمام است. و لذا به این روایت هم استدلال شده که شرط مکان مصلی این است که استقرار داشته باشد. پس کسی که سوار دابه است یا سوار قطار یا هواپیما است و لو تمام شرائط دیگر نماز را بتواند رعایت بکند اما چون در حال سیر است در حال رکوب است نمازش جایز نیست.

ان‌شاءالله راجع به این روایت در جلسه آینده بحث خواهیم کرد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.